نگاه

سیل جهرم: نعمتی که نقمت شد

سید آهنگ کوثر

● ... یا لیت قومی یعلمون؛ ... کاش قوم من می‌دانستند (یس: ۲۶).

«نیک‌بختان به حکایت و امثال پیشینیان پند گیرند، از آن پیش‌تر که پسینیان به واقعه ایشان مثل زنند». گلستان سعدی، باب هشتم.

همکار و دوستم، آقای محمدجواد قائدشرفی، روز چهارم تیر ۱۳۵۹ من را به جهرم برد. نام‌برده در آن روزها رئیس ایستگاه تحقیقات جنگل و مرتع در نورآباد بود و از ۲۵ آذر ۱۳۵۸ که برای بازدید زمینه گسترش سیلاب به آنجا رفته بودم، در خدمت برنامه‌ای قرار گرفت که کمتر کسی از آن آگاهی داشت و خیلی کمتر آن را جدی می‌گرفتند. هدف ما تغذیه مصنوعی آبخوان محمد(مد)آباد بود که در سراب باغ ایشان قرار داشت. بامداد روز بعد آبخیزهای مشرف به دشت را از دور دیده و رودخانه تنگاب را از نزدیک بررسی کردیم؛ سپس به جهاد سازندگی رفته و در نشستی که مسئولان شهر در آن شرکت داشتند، برنامه خود را پیشنهاد کردیم. لازم نمی‌دانم که حاضران در آن جلسه را نام ببرم؛ زیرا هدفم تنها ثبت در تاریخ است؛ شاید آنها که زنده‌اند، به یاد بیاورند؛ آنها که دیگر با ما نیستند، خودشان پاسخ پروردگار را بدهند. بردن نام همدرس و دوستم علی‌محمد شرافت برای دادن شهادت است. فرماندار پرسید: هزینه این کار چقدر است؟ پاسخ ما: دو میلیون تومان؛ چهار دستگاه بولدوزر دست‌دوم را می‌خریم که آنها برای شهرستان جهرم می‌مانند؛ ۴۰۰ هزار تومان نیز برای خریدن تورسنگ (گابیون)، سنگ، سیمان، سوخت و دیگر خرج‌هاست. جناب فرماندار با نیشخندی فرمودند: ما ۲۰ میلیون تومان برای مطالعه طرحی با همین منظور داده‌ایم؛ چگونه می‌توانید با دو میلیون تومان اصل کار را انجام دهید؟ گرچه ایشان ما را شیاد نخواندند؛ اما برداشت‌مان از سخن آن جناب چنین بود. روز هشتم آذر ۱۳۵۹ با آقای مهندس سیاوش پولادی که در آن زمان رئیس مهندسی استانداری بود، آقای مهندس ممتحن، همکار ایشان و آقای محمدجواد قائدشرفی به سراغ فرماندار وقت جهرم رفتیم. شادروان مهندس صفایی، رئیس وقت مهندسی زراعی فارس، حاضر شده بود که یک دستگاه بولدوزر کاترپیلار را با ساعتی ۸۰۰ ریال در اختیار ما بگذارد. آقای فرماندار فرمودند که اگر زمین را سوراخ کنند، مردم به آنها فحش می‌دهند. سیل‌های هفته آخر بهمن۱۳۹۵، با شکستن دیواره چند استخر تغذیه در محمدآباد، ۷۰۰ خانه را در شهرک خارقان ویران کرد. به روایتی، خسارات وارده از سیل اخیر به شهرستان جهرم نزدیک به ۵۰ میلیارد تومان برآورد شده است. مسئول این زیان‌ها کیست؟ مهندس مشاور است، طراح است، سازنده است، فرماندار است، ...؟ کی بود کی بود من نبودم! آیا تمام مردم ایران باید خسارت‌های ناآزمودگی گروهی انگشت‌شمار را بپردازند؟ نعمتی که می‌توانست بخشی از نیازهای اسرافگران آب را برآورد نقمت، رحمت خدا، زحمت و عذب، عذاب شد؛ چشم همه ما روشن! آیا برچسبی محترمانه را برای افرادی که به‌هردلیل، با جان و روان مردم بازی می‌کنند، سراغ دارید که برای نویسنده این سوگنامه که سال‌های رشد اندیشه‌اش را در جهرم گذرانده است، دردسری تازه نیافریند؟ آیا فرمانداران جهرم در سال ۱۳۵۹ حاضرند یا اصلا می‌توانند ۵۰ میلیارد تومان خسارت خانه‌خراب‌ها را بدهند؟ برای زجری که مردم کشیده‌اند، نمی‌توان رقمی را پیشنهاد کرد؛زیرا درد با پول جبران نمی‌شود.

به سوی ساحل موج و مرجان

صدرا محقق

شهرستان ایرانشهر در استان سیستان‌وبلوچستان، درست در مرکز این استان واقع است، در دشتی پست و کم‌ارتفاع با آب‌وهوایی گرم و داغ، مناسب عمل‌آمدن خرما. اگر از جنوب این شهرستان رو به سوی پایین‌ترین نقطه استان حرکت کنید، بین راه از ایرانشهر وارد شهرستان نیکشهر می‌شوید، بعد از عبور از مسیر کفی و سرراست و عبور از دشت کم‌ارتفاع ایرانشهر به مسیری پیچ‌درپیچ و کمی کوهستانی با صخره‌های سیاه‌رنگ می‌رسید. ما در مسیرمان در جایی به نام تنگ سرحه توقف کردیم که دمای هوا به وضوح متفاوت از قبل و بعدش بود. روزی که این مسیر را طی کردیم، ۱۹ اسفند بود، ساعت ۱۰ صبح در بمپور هوا به شکلی بود که ایستادن در جایی که سایه نبود، گرمایش آزاردهنده بود. اما ساعت یک بعدازظهر که به تنگ سرحه رسیدیم، ایستادن در هوای آزاد با یک‌لا پیراهن اگرچه خنکی دلچسبی داشت اما بهتر بود یک‌لا پیراهن را دولا می‌کردیم.

به قول اهالی روستای تنگ سرحه، اینجا خوش‌آب‌وهواترین منطقه مرکز و جنوب استان است. منطقه‌ای که ارتفاعش از سطح دریا هم به نسبت شهرهای جنوبی یعنی نیکشهر و چابهار و هم ایرانشهر و خاش در شمال و هم سرباز در سمت شرق بالاتر بود و دلیل تفاوت دمایش با دیگر نقاط نیز در همین نکته نهفته بود. کامبیز دانش، بخشدار منطقه لاشار در شهرستان نیکشهر درباره همین منطقه به «شرق» می‌گوید: «خیلی‌ها باور نمی‌کنند اما منطقه ما در همین شهرستان نیکشهر، بیشتر از ۶۰ آبشار دارد و ارتفاع برخی از آبشارهای ما به بیشتر از ۵۰ متر هم می‌رسد».

این را که می‌گوید، من و همراهانم نمی‌توانیم بهت و حیرتمان را از شنیدن این حرف پنهان کنیم. سیستان‌وبلوچستان و آبشار؟ کمی بعید و باورنکردنی است. در گوشی همراهش عکس‌ها و فیلم‌هایی از تعدادی از این آبشارها نشانمان می‌دهد که چاره‌ای جز پذیرفتن برایمان نمی‌ماند. بعد از این، این‌طور ادامه می‌دهد: « البته به هر کسی که باور نکند می‌شود حق داد، استان ما هیچ‌وقت با این چیزها شناخته نشده و همه آن را با موضوعات دیگری شناخته‌اند».

واقعیت این است؛ رودخانه‌هایی که از قله تفتان سرچشمه می‌گیرند و به سوی جنوب استان می‌روند، در مسیرشان از همین قسمت‌های کوهستانی استان عبور و چندین آبشار و برکه خلق می‌کنند. تنگ سرحه اگر چه خنک است و خوش‌آب‌وهوا اما هم‌زمان از درخت نخل و نخلستان هم بی‌نصیب نیست. پایین‌دست روستا، جایی که انگار وسط یک دره واقع و روستا بر بلندایی مشرف بر آن ساخته شده، پر از نخل‌های بزرگ و کهنسال است که به گفته اهالی، خرمایش شیرین و ترد و متفاوت است. سر سفره ناهاری که در تنگ سرحه میهمان بودیم، از این خرما هم گذاشته بودند، مزه‌اش با تعاریفی که از آن شنیده بودیم، منطبق بود.

از تباهگ تا تنورچه

جذابیت‌ها و لذت‌های سفر به هر منطقه‌ای فقط در دیدنی‌های تاریخی، طبیعی و فرهنگی آنجا خلاصه نمی‌شود. خوراکی‌های محلی و بومی هم آن‌قدر جذبه دارد که در صنعت گردشگری خود سرفصلی جداگانه دارد. استان سیستان‌وبلوچستان در این زمینه هم دستانی پر دارد. برخی از خوراکی‌های مثال‌زدنی مردمان این دیار را دست‌کم در بخش جنوبی استان که شامل منطقه بلوچستان است، می‌توان در یک چیز خلاصه کرد: ادویه!

ادویه بخش مهمی از فرهنگ غذایی اینجاست. سفره رنگارنگی که آقای بلوچ زهی از اهالی روستای تنگ سرحه آن روز ظهر که ما میهمانش بودیم برایمان تدارک دید، به چند غذای ناب و معروف بلوچی مزین بود: تنورچه، تباهگ و بریونی.

تنورچه گوشت است! و نامش را از روش پختش گرفته است، برای مهیاکردن این غذا باید تنوری پر از ذغال سرخ آتشین مهیا کرد. برای مهیاکردن تنورچه یک گوسفند را متناسب با اندازه تنور ذبح و درون شکمبه آن را خالی می‌کنند سپس با نخی مناسب که در برابر حرارت از بین نرود، شکم او را می‌دوزند پس از آن گوشت را درون تنوری که ذغال‌هایش گداخته است، قرار می‌دهند و با پوشاندن درِ تنور با کاهگل به انتظار پخته‌شدن کامل می‌نشینند. در روشی دیگر گوشت‌ها را در اندازه‌هایی درشت خرد کرده و به سیخ می‌کشند و به حالت ایستاده درون تنور می‌گذارند.

تباهگ هم غذایی برنج‌محور است، برای این کار گوشت را در پودر انار و نمک می‌چرخانند و بعد آن را زیر نور آفتاب می‌گذارند و در زمان پخت به شکل ته‌چین زیر برنجی که به انواع ادویه‌ها آغشته شده، گذاشته می‌شود تا خوب پخته و مهیای خوردن شود. بریونی بلوچی هم اگر چه اسمش یادآور غذای سنتی اصفهان است اما هیچ ربطی به آن ندارد و نوعی استانبولی است، غذایی برنجی که به همراه سیب‌زمینی و گوشت و گوجه خردشده و مثل همه دیگر غذاها به اندازه کافی و وافی با ادویه پخته و سرو می‌شود. سفره‌ای که ما در تنگ سرحه برای ناهار روبه‌روی آن نشستیم، شامل هر سه این غذاها بود و کم‌نظیر.

سوزن‌دوزی

سخت است از تجربه سفر به این نقطه ایران بگوییم و از اصلی‌ترین هنر دست زنان این استان چیزی نگوییم. هنری به نام سوزن‌دوزی که با معجزه نخ و سوزن، طرح‌هایی هزاررنگ و ظریف و پیچیده را در جان پارچه می‌ریزد. در سیستان‌وبلوچستان تقریبا بعید است که زنی را، در شهرها یا روستاها ببینید و ردی از هنر سوزن‌دوزی را روی جزئی از لباسش نبینید. در سال‌های اخیر خیل مشتاقان این هنر بیشتر شده و هنر دست زنان این دیار به غیر از لباس، روی ده‌ها مدل زیورآلات و پوشیدنی‌های دیگر هم نقش بسته است، از کیف و شال و دستبند و گوشواره و گردن‌آویز گرفته تا کراوات مردانه. از سرانگشتان بیشتر زنان این استان این هنر ظریف و پرجزئیات می‌بارد.

رونق‌گرفتن این صنعت دستی و پیداشدن خواهان‌های زیاد در چارگوشه ایران و حتی جهان خونی تازه به رگ‌های این هنر دمیده و باعث شده است برای زنان زیادی در روستاها و شهرهای استان شغل و منبع درآمدی پایدار ایجاد شود. قیمت برخی لباس‌های مزین به سوزن‌دوزی، به واسطه حجم و کیفیت و کاری که می‌برند به دو تا سه میلیون هم می‌رسد. در سفر ما به این استان بارها و بارها زنان و دخترانی را دیدم که سرتاپای لباس‌هایشان پر از سوزن‌دوزی بود.

به هنرهای دستی این دیار البته باید حصیربافی و سفال کلپورگان را هم اضافه کرد. اولی هنری است که از برگ‌های درختان خرمای وحشی، هر آن چیزی که فکرش را بکنید خلق می‌کنند، از سفره و جانماز گرفته تا سبدهای بزرگ و کوچک. دومی هم هنری باستانی است که بدون چرخ و رنگ و لعاب، سفال‌هایی می‌سازند که به گفته تاریخ‌نویسان شیوه و تکنیک ساخت آن فرق چندانی با سفال‌سازی در شش تا هفت هزار سال قبل ندارد. کلپورگان نام روستایی در شهرستان سراوان استان سیستان‌وبلوچستان است و از منحصربه‌فردبودن این سفال‌ها همین بس که صفر تا صد مراحل ساخت آن را زنان انجام می‌دهند و بر اساس رسوم قدیمی مردها حق ندارند به این هنر ورود کنند.

به سوی چابهار

پس از ناهار، تنگ سرحه را به سمت چابهار ترک کردیم، بین راه از جاده‌های پرپیچ‌وخم که از بین کوه‌هایی با سنگ‌های سیاه می‌گذشت، گذشتیم. جاده و رودخانه پایین دست، انگار در رقابتی برای رسیدن بودند گاهی به هم نزدیک می‌شدند و گاهی دور، گاهی همدیگر را قطع می‌کردند و گاهی از چشم هم ناپدید می‌شدند. بین راه هم دره‌های میان کوه‌ها پر بود از درختان خرمای وحشی که به مدد دست طبیعت بلند شده بودند. پس از تمام‌شدن جاده صخره‌ای، به دشتی صاف و جاده‌ای مستقیم وارد شدیم که تا چشم کار می‌کرد یکنواخت بود و کم پیچ‌وتاب، در دور دست‌های چهار جهت اما شکل کوه‌هایی تراش‌خورده با حجم‌های غریب خودنمایی می‌کرد، برخی کوه‌ها طوری تراش خورده بودند که انگار کسی خط‌کش گذاشته و آنها را برش داده بود.

در نهایت پس از طی حدود ۲۰۰ کیلومتر به چابهار رسیدیم، شهری که یک سوی آن منطقه آزاد چابهار است با بازارها و هتل‌های پرشمار و سوی دیگرش شهری است مانند همه شهرهای دیگر ایران، اما به لحاظ فرهنگ شهری و پوشش سنتی و بازارها و... شبیه‌ترین شهر به تصاویری که از شهرهای پاکستان دیده‌ایم.

چابهار به تنها بندر اقیانوسی ایران شهره است. سواحلش پر از لنج‌های چوبی صیادان محلی است و اگر به سمت شرق آن را حدود ۴۰ کیلومتر دنبال کنید، به ساحل بی‌مانند و صاف و دست‌نخورده‌ای می‌رسید که تا منتهاالیه افقش پیداست و جز سکوت و تصویر دریا و موج‌های سرگردانی که از اقیانوس به اینجا رسیده‌اند چیزی نمی‌بینید. سرتاسر این ساحل شنی است و پاک و بدون زباله که روی شن‌هایش تنها ردپای خرچنگ‌ها را می‌توان دید.

در سوی دیگر هم کوه‌های اعجاب‌انگیز مریخی مینیاتوری به چشم می‌آیند. کوه‌هایی که در کادر بسته لنز دوربین‌ها و عکس‌ها اگر آنها را ببینید تصورتان این است که ارتفاعی به بلندای بلندترین کوه‌ها دارند، در واقعیت اما ارتفاع آنها در بلندترین حد به ۱۰۰ متر یا کمی بیشتر می‌رسد. اما فرسایش باد و باران با جنس خاکشان کاری کرده که به این شکل درآمده‌اند. جایی از این ساحل در یک‌سو این کوه‌های چشم‌نواز هستند و سوی دیگر ساحل دست‌نخورده اقیانوسی که جان می‌دهد برای شنا و قایق‌سواری یا حتی نشستن صرف و زل‌زدن به آن؛ بی‌هیچ کار اضافه‌ای.

جذابیت‌های چابهار البته تنها به همین موارد خلاصه نمی‌شود. زیر آب دریا و ساحلش سرزمین مرجان‌های زنده و رنگارنگ است و در حدود ۷۰ کیلومتری شرق این ساحل، معدن جنگل‌های دریایی حرا. گل‌فشان‌ها و بندر تاریخی تیس و لنج‌سازی‌های کنارک هم دیدنی‌های دیگر چابهار است که برای دیدن همه آنها باید دست‌کم سه تا چهار روز وقت بگذارید.

یادداشت

شوراها ابزار تحقق توسعه عدالت‌محور

حسین کوچکیان‌فرد

● امروزه یکی از شاخص‌های مورد توجه تمامی جوامع بشری و نهادهای بین‌المللی، گسترش و تثبیت مفهوم توسعه عدالت‌محور است، گرچه هر جامعه و نهادی با توجه به نیاز ساختاری خود و برای پیشبرد اهداف موردنظرش به این مفهوم گرایش داشته، اما درمجموع این اهتمام نویدبخش و تسریع‌کننده حرکت جوامع در جهت ارتقای توسعه همه‌جانبه است؛ برای نمونه بانک جهانی به دنبال ایجاد عدالت در کشورها برپایه دو اصل است: الف- عدالت در فرصت‌ها به نحوی که هرکس فارغ از آنکه در چه کشور و از چه نژاد و مذهبی است این امکان برایش فراهم شود تا با توجه به توانمندی، استعداد و تلاش خود از عدالت بهره‌مند شود.

ب- برداشتن موانع رشد خصوصا در بخش بهداشت، آموزش و سطح مصرف؛ به‌طوری‌که توسعه، فرصت‌های برابر را قویا در راستای نیل به اهداف استراتژیک که عبارت از بهبود محیط سرمایه‌گذاری برای همگان است فراهم کند.

سازمان ملل نیز برای کاستن از تنش‌ها و بحران‌های جهانی؛ چه در داخل مرزهای رسمی کشورها و چه در روابط و مناسبات کشورها با یکدیگر در سندی که به امضای سران ۱۴۹ دولت عضو در سال ۲۰۰۰ میلادی رسید و به سند هزاره سوم معروف شد، اهدافی مانند ریشه‌کنی فقر و گرسنگی شدید، دستیابی به آموزش ابتدایی همگانی، ارتقای برابری جنسی، کاهش مرگ‌ومیر کودکان، بهبود بهداشت مادران، مبارزه با ایدز و دیگر بیماری‌ها، تضمین پایداری محیط زیست و گسترش مشارکت‌های جهانی برای توسعه را هدف قرار داده است که رسیدن به آن را در تمامی کشورها پیگیری می‌کند و از همان ابتدا حکمرانی خوب به‌عنوان شرط لازم برای دستیابی به هر یک از آنها مطرح شده است. ایجاد حکمرانی خوب نیز مستلزم ایجاد توانمندی‌های لازم در ذی‌نفعان عمده عرصه حکمرانی؛ یعنی دولت، بخش خصوصی و نهادهای عمومی غیردولتی است که از ابزارهای پیگیری و نظارت بر این مهم در جامعه ما شوراهای اسلامی کشوری هستند.

از منظر عدالت، توزیع فرصت‌ها بیش از توزیع نتایج از اهمیت برخوردار است، اما از سوی دیگر فرصت‌ها که درواقع امور بالقوه هستند بسیار دشوارتر از نتایج قابل محاسبه و اندازه‌گیری‌اند و به این منظور باید به نهادهایی که به طور مستمر توان شناسایی فرصت‌ها قبل از شکل‌گیری و انتقال عدالت در توزیع آن هنگام برنامه‌ریزی را دارند اتکا کرد تا مفهوم عدالت‌محوری که یکی از نیازهای اساسی قوام و ادامه حیات جوامع بشری است حاصل شود. به‌جرئت می‌توان گفت نهاد شوراها و قبل از آن انجمن‌ها برای تحقق این امر به منصه ظهور رسیده‌اند.

همچنین رسوخ مفهوم عدالت در قلب موضوعات توسعه کشور همچون مباحث اقتصادی، اداره امور عمومی و توسعه نیروی انسانی به‌شدت مورد مطالبه جامعه است بنابراین ایفای نقش شوراها در تحقق توسعه همه‌جانبه با توجه به کارویژه‌هایش البته با ورود افراد متبحر در آن هر روز پررنگ‌تر می‌شود تا بتوانند چرخه توسعه را به نفع توزیع عادلانه امکانات براساس برخورداری هم‌زمان و یک‌اندازه تمامی مناطق کشور و نیز حفظ پایداری عوامل منجر به توسعه با راه‌حل بومی و تخصیص دوباره منابع در جهت برآوردن نیازهای اساسی شهروندان در سالیان متمادی و نسل‌های آینده حفظ شود.

جدول ۲۷۸۵ ■ طراح: بیژن گورانی

افقی:

۱- بارش- پادشاه معاصر اصحاب کهف ۲- فهرست غذای رستوران- کشوری در قاره سیاه در همسایگی دریای سرخ- معطر ۳- بسط و توسعه- افزایش دائم قیمت کالاها- از شهرهای آلمان ۴- ماده‌ای مخدر- ورم- نوشتن کتاب با استفاده از منابع مختلف ۵- گوشت آذری- چهره و سیما- سخن کوتاه و پرمعنا ۶- جانشینی- فیلسوف - چاه بی‌انتها! ۷- نکته سنجی- صمغی بسیار تلخ- آحاد ۸- شهر دانیال نبی (ع)- ابتدایی و آغازین- نر ۹- آسان- از باشگاه‌های معتبر فوتبال فرانسه- طغیان ۱۰- امر به رفتن دارد- شهر گلاب- مأمور تشریفات عصر صفوی ۱۱- شهری در استان زنجان- نوشین- حمله نظامی ۱۲- طفلی که تازه به دنیا آمده- هرگوشه زمین فوتبال- بشقاب پرنده ۱۳- خالص- کمک- ضروری ۱۴- مخزن گلوله- معروف و مشهور- دانشگاهی قدیمی در آمریکا ۱۵- طی‌کردن و پیمودن- شهری در خوزستان.

عمودی:

۱- بادمجانش آفت ندارد- از تألیفات ارزشمند دکتر محمد معین ۲- از اجزای دست‌وپا- از بنیانگذاران فکری انقلاب کبیر فرانسه- آلیاژی از مس و نیکل و روی ۳- از زبان‌های زنده دنیا- تازه‌کار- شکوفه‌ها ۴- بزرگداشت- رقیبان- کار... مصلحت آن است که مطلق نکنیم ۵- چوبه اعدام- نگین انگشتر- نام قائم منتظر (عج) ۶- پدر نریمان در شاهنامه- ناتوان- قطب مثبت ۷- حرف دهن‌کجی- گاوباز اسپانیایی- کناره ۸- قوم مغول- دست‌مالیدن- آرایش صورت بازیگران ۹- درس‌ها- یاران حضرت عیسی (ع)- مادر لر ۱۰- مقابل آشتی- چند نکته- نگهبان شتران ۱۱- پشت گرم- سمت چپ- گندم آسیاب‌شده ۱۲- مهم‌ترین عامل در پراکندگی و شکل‌گیری روستاهای ایران- نوعی انرژی- دارای جنبه داستانی ۱۳- گلوله خمیری- جر و بحث بیهوده- نیکوروی ۱۴- سرمربی تیم فوتبال سپاهان- پیشرو قافله زائران- جست‌وجو ۱۵- شهری در ایالت کالیفرنیای آمریکا- اثر چربی.

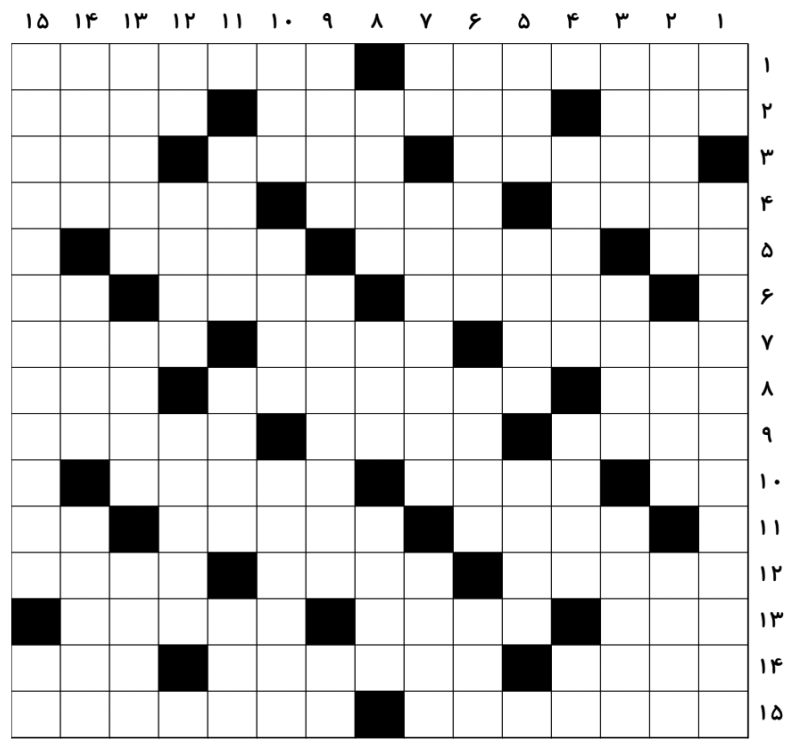

حل سودوکو سخت

۲	۹	۶	۵	۳	۸	۷	۱	۴
۱	۵	۴	۶	۷	۲	۳	۸	۹
۳	۸	۷	۱	۴	۹	۶	۲	۵
۵	۳	۲	۴	۶	۱	۹	۷	۸
۴	۱	۸	۹	۵	۷	۲	۳	۶
۶	۷	۹	۲	۸	۳	۴	۵	۱
۹	۶	۳	۷	۱	۵	۸	۴	۲
۸	۲	۱	۳	۹	۴	۵	۶	۷
۷	۴	۵	۸	۲	۶	۱	۹	۳

حل سودوکو ۱۷۸۰

۹	۷	۳	۱	۴	۵	۲	۶	۸
۶	۵	۸	۷	۹	۲	۳	۴	۱
۱	۲	۴	۳	۶	۸	۷	۵	۹
۷	۸	۶	۹	۱	۳	۴	۲	۵
۳	۱	۵	۸	۲	۴	۹	۷	۶
۲	۴	۹	۶	۵	۷	۸	۱	۳
۴	۶	۱	۲	۳	۹	۵	۸	۷
۵	۳	۷	۴	۸	۶	۱	۹	۲
۸	۹	۲	۵	۷	۱	۶	۳	۴

جدول ۲۷۸۴

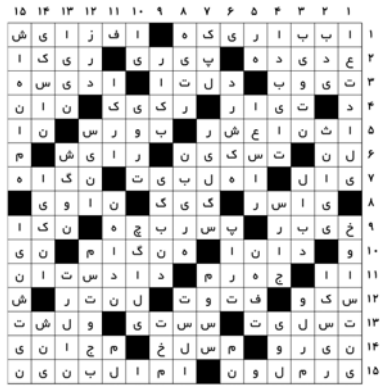

سودوکو سخت ۱۷۸۱

قانون‌های حل جدول سودوکو:

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

	۱		۵		۶		۲	
	۶			۹		۴		
	۳	۷	۲					
	۷	۶				۵		۹
	۲	۸				۱		۳
	۵		۱				۸	
			۶	۵	۳	۲		
			۴			۷		
	۸					۳		۴

سودوکو ۱۷۸۱

سودوکو

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

۴	۵	۱					۲	
۳		۹			۱			
		۶			۵			
				۲	۹			۱
	۱	۷	۸	۳				
۹		۵				۴	۸	
۷			۶		۸			
			۴		۲			۷
			۳	۵	۷	۲		